

مردی از سابقون

دکتر یدالله سحابی، از سابقون انقلاب اسلامی و یکی از پیشازنان عرصه علم و فرهنگ کشور بدرود حیات گفت.
دکتر سحابی که دهه‌های عمر پربرتک خود را دستمایه کسب نیکنامی‌های بزرگ کرده بود، الگویی بود از آنچه که مردمی سال‌ها به دنبال آن بودند؛ سیاست مردانی پاک‌نهاد، مسلح به سلاح علم و دانش.

تکریم کم‌نظیری که از عالی‌ترین سطح کشور آغاز شد و نحله‌های مختلف سیاسی را در بر گرفت، خود نشانی از استثنایی بودن شخصیت سحابی داشت. مقام رهبری به تلاش آن مرحوم مبرور بر زدودن تهمت ناسازگاری دین و علم و مردود شمردن پندار جدایی‌دین از سیاست اشاره داشته و او را شخصیتی با ایمان، با حقیقت، خوش روحیه، مقام‌م، دیندار، متعبد و درستکار خواندند.

خاتمی، رئیس‌جمهور وی را دانشمندی متعهد و استادی فرزانه از پیشگامان احیای تفکر دینی در دانشگاه، از مبارزان قدیم راه استقلال و آزادی و از خدمتگزاران ثابت‌قدم به اسلام و ایران‌نماید که دولت و ملت پاسداشت خدمات او را وظیفه خود می‌دانند.

رئیس‌مجلس نیز بر تعبد، سلامت نفس و خصلت‌های نیکوی انسانی او شهادت داده و به عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی نسبت به سحابی تاکید کرد که در آستانه انقلاب اسلامی به گزیده شدن وی در مسوولیت کمیته تنظیم اعتصابات نفت انجامید (این کمیته در زمستان ۵۷ به منظور کمک به اعتصاب‌کنندگان نفت و در عین حال حداقل رساندن ضایعات ناشی از تعطیل فعالیت‌های اقتصادی کشور به ریاست دکتر سحابی و عضویت آقایان باهنر و معین‌فر تشکیل شد).

تکریم شخصیت سحابی به عنوان نمونه‌ای از سیاستمداران اتویپایی عملا ابراز علاقه به خصلت‌های وی را نمایش می‌داد. در این میان جناح راست با استنکاف آشکار از اهمیت دادن به این خیر و یا تمجید و تکریم آن شخصیت در گذشته مزبندی سیاسی جناح اقلیت را یادآوری می‌کرد. چهره‌های برجسته و حتی چهره‌هایی از جناح راست که معمولا در مواضع شخصی روابط محترمانه‌ای با همه عناصر سیاسی کشور دارند، در مراسم تشییع و یادبود سحابی شرکت نکردند و نشان دادند از ورود به مواضعی که در نایت‌قدمی آنها شبیه ایجاد می‌کند - ولو آنکه مورد اقبال اکثریت قابل توجهی باشد - خودداری می‌کنند. این موضوع شاید ناشی از تئوری‌هایی باشد که اتکا بر سازوکارهای دموکراتیک را به کسب قدرت لرزان و نه ثابت منتهی می‌بیند و بدین لحاظ آن را فاقد اهمیت تلقی می‌کند. تصاویر منتشرشده از مراسم تشییع و یادبود سحابی چهره‌هایی را در مقابل دوربین‌ها آورد که موجب طرح سوال می‌شد. آیا این جمع محدود که تنی چند از آنان با کمک عصا و یا با همراهی دیگران گام برمی‌دارند، براندازند؟

وزن‌وتلا، تکرار وقایع دهه هفتاد

هوگوچاوز، رئیس‌جمهور منتخب ونزوتلا نسبت به سیاست‌های آمریکا یک منتقد محسوب می‌شد. اما این باعث نمی‌شد که نزدیکترین کشور نفت‌خیز به آمریکا از معامله شیرین روزانه یک میلیون بشکه نفت با ایالات متحده خودداری کند. در حقیقت هم برای آمریکا تامین نفت از منطقه تحت نفوذ استراتژیک خود اهمیت بسیار داشته و هم دریافت سالانه قریب ۱۰ میلیارد دلار از یک مشتری قابل اتکا برای ونزوتلا شریان حیاتی محسوب می‌شد. بنابراین با توجه به خصلت‌های شناخته شده نظام حاکم بر ایالات متحده آمریکا ، طبیعی به نظر می‌رسد که آمریکا مداخله در آن کشور را پیگیری کند. هوگو چاوز در ماههای گذشته نیز در معرض کودتا قرار گرفت که به آسانی سرکوب شد. اما کودتای این بار با برنامه‌ریزی دقیق تری صورت گرفت؛ ابتدا کارکنان صنعت نفت اعتصاب کردند، نتیجه این اعتصاب قطع صدور نفت به ایالات متحده آمریکا بود و این کافی بود که آمریکا را به شدت به پیگیری منافع خود وادار کند و این حلقه پیوند میان نظامیان با سایر گروه‌های قدرت را تکمیل می‌کرد. وقتی چاوز خواستار سرکوب اعتصاب‌کنندگان از سوی نظامیان شد، آنان از اجرای دستور خودداری کردند و رئیس‌جمهور را مجبور به استعفا کردند. کمتر از ۴۸ ساعت بعد مردمی که در سال ۱۹۹۸ بارای خود چاوز را به ریاست جمهوری رساندند به میدان آمدند و حکومت سرگردان جدید را از اجرای دو تصمیم خود بازداشتند؛ با بازگشت چاوز اولین اقدام کودتاپیان -که قراردادن رئیس‌جمهور منتخب در حبس بود- به شکست انجامید و دومین تصمیم آنان که قطع صدور نفت به کوبا بود به مرحله اجرا در نیامد و کوبا را از درگیر شدن با مشکل جدی تامین نیاز ۵۳ هزار بشکه ای خود نجات داد. ایالات متحده که پیشتر خود

چاوز را مسوول بحران ونزوتلا معرفی‌کرده بود و با توجه دادن مسوولیت کشته شدن ۱۱ تظاهرکننده در روز پنجشنبه گذشته به رئیس‌جمهور منتخب عملا نظامیان کودتاکننده را مورد حمایت قرار داده بود بازگشت دوباره هوگو چاوز را «شانس دوباره‌ای» خواند که باید از آن بهره ببرد. «کاندولیزا رایس» چهره جنجالی دولت بوش که یکی‌از بانفوذترین سیاستمداران آمریکایی‌در شرایط کنونی و شاید به عنوان نصیحت و تهدید گفت: «امیدواریم چاوز توجه کند که جهان در حال نظاره کردن اوست و باید از فرصتی که به دست آورده بهترین بهره را ببرد زیرا وی به مدت طولانی در مسیر اشتباه گام برداشته است.»

کودتا در ونزوتلا و موضع‌گیری ایالات متحده آمریکا در اثنای آن سمبل نگرش ابزاری آن کشور به مقولات آن کشور به سیاست‌تظیر دمکراسی و رای مردم است. این کودتا هم از این منظر و هم از منظر دیگر که نحوه شکست کودتا بود در داخل کشور بازتابی فراتر از حد متعارف یافت.

این سوژه وقتی در کنار وقایع فلسطین و همراه با رکود نسبی فعل و انفعالات داخلی قرار گرفت، دستمایه عمده‌ترین بحث‌های سیاسی داخل کشور شد.

فلسطین، حنجره‌های پر از فریاد

وقایع فلسطین همچنان تمام‌جهان را متوجه خود کرده است. در یک سو ملتی قرار دارد که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد و به بی‌محابات‌ترین روش‌های دفاع از خود دست زده و در سوی دیگر حکومتی که خود را در سفاکی برتر از اسلاف خود می‌نمایاند، در حالی که دنیا رفتار آن را علاوه بر سفاکی نقطه پایان جهالت نیز قلمداد می‌کند.
شارون که یک بار در تجربه محدود صبرا و شیتلا در سپتامبر ۱۹۸۲ و در اوج اختلاف کشورهای اسلامی توانسته بود پروژه تبعید یاسر عرفات و گروه‌های



فلسطینی از لبنان به تونس را به نتیجه برساند، پس از ۲۰ سال مجددا تلاش می‌کند این پروژه را در سطحی بسیار کلان‌تر تجربه کند. در حالی که اختلافات وسیع آن روز از جهان اسلام رخت برپسته است (اختلاف ایران با کشورهای عربی و اختلاف مصر با کشورهای عربی) جهان اسلام پیشرفت‌هایی قابل توجه داشته و در کنار این‌ها پایبندی به اصول دمکراسی و رعایت حقوق بشر نیز به روندی غالب تبدیل شده است. بدین لحاظ



درشت نوشته است: «چه چیز باعث می‌شود جوانان فلسطینی از زندگی خود دست بشویند و برای نابودی اسرائیلی‌ها خود را نیز نابود کنند؟» گذشت زمان جهان را به سوی کلیدی‌ترین سوال راهنمایی کرده است . پاسخ این سوال همان چیزی است که افکار عمومی جهان در آینده نزدیک آن را از اسرائیل مطالبه خواهد کرد.

دربغ کردن یک زندگی حداقل - همان که یاسر عرفات برای ملتش

یک هفته با سیاست

می‌خواهد - آنان را به نقطه انفجار رسانده است. اگر جهان در پاسخ به این سوال تملل کند شاید هفته نامه تایم چندی دیگر مجبور شود برای توضیح آماری عملیات استشهادی فلسطینیان به جای دو صفحه ، صفحات بیشتری تخصیص دهد. یک روزنامه‌نگار ایرانی می‌نویسد: «یاسر عرفاتی که با خون دل زیر صلح نامه‌های تحمیلی را امضا نمود تا

حداقلی از حقوق هم میهنان خود را به دست آورد این گونه مورد تحقیر قرار می‌گیرد. پیام روشن این حادثه چیست؟همه دنیا خشم و مظلومیت را در چهره این پیرمرد فلسطینی دیدند. او ناامید از دولت‌ها چهره خود را به سوی افکار عمومی جهان چرخاند و یک سوال گزنده به بزرگی ۵۰ سال ظلم و جنایت چهره اسرائیل را مطرح ساخت : آیا این قابل قبول است ؟
ایااا... خدا کند افکار عمومی جهان ماشین جنگی اسرائیل را از حرکت بازدارد، خدایم داند که دارند یک ملت را به نقطه انفجار می‌رسانند.»

اسرائیلی‌ها که می‌خواستند زندگی را برای فلسطینی‌ها به پایان برسانند و می‌خواستند که آنان به حداقلی از زندگی نیز امید نداشته باشند گویا خود در حال باخت قمار زندگی هستند.

قتل عام‌های وحشیانه، ویرانی خانه‌های مردم بی‌دفاع بر سر آنان، محاصره شهرها و اردوگاه‌ها، تحقیر و تضعیف رهبر منتخب یک مردم و اعمال سبعانه این چنینی که همه آنها نیز در فریم دوربین‌ها قرار گرفته و هر لحظه به سراسر جهان مخابره می‌شود، به چیزی جز قضاوت منفی جهانیان و تحریک افکار عمومی تمام کشورها به مقابله با عامل آن منجر نخواهد شد،

چیزی که تاکنون نیز کاملا مشهود بوده است. حتی آنچه در اردوگاه جنین گذشت و نیروهای اسرائیل برای فرار از فشار افکار عمومی جهان راه را بر ورود خبرنگاران و عکاسان بستند، خود به سوژه‌ای جدید علیه آنها تبدیل شد. این‌ها که در جلوی دوربین‌ها چنین جنایت کردند، در جنین به چه جنایاتی مشغول بودند که آن را پنهان می‌کردند؟

در کنار وقایع فلسطین که این هفته با شدت کمتری ادامه داشت، موضوع ملاقات پاول با شارون و عرفات در صدر سایر اخبار قرار گرفت. پاول پس از ملاقات با شارون در یک کنفرانس خبری ضمن آنکه حمایت سنتی آمریکا از اسرائیل را باز دیگر مطرح کرد و آنچه نیاز اسرائیل به دفاع از خود نامید را قابل درک خواند، اضافه کرد که «اسرائیل باید به عواقب ادامه حملات خود و تأثیری

جهانی تلقی می‌شود.» وی با اشاره به نقش مطبوعات و سرمایه‌داران وابسته در این کودتا گفت: «تعجب آور است برخی از روزنامه‌های داخلی که خود را پرچمدار جامعه مدنی و مردم سالاری می‌دانند چطور نقش تجاوزکارانه آمریکا را در این کودتا تقبیح نکردند و از حرکت انقلابی مردم ونزوتلا تجلیل نکردند.»

تجلیل از نقش مردم در شکست کودتا و حمایت از رئیس‌جمهور منتخب کشورشان دقیقا همان نکته‌ای بود که رسانه‌های جبهه اصلاحات به آن پرداختند.

چند روزنامه جبهه دوم خرداد با عباراتی نظیر «با دفاع مردم ونزوتلا از آرایشان اتفاق افتاد؛ پیروزی مردم سالاری، شکست کودتاپیان» و «مقاومت مردمی کودتاپیان و نزوتلا را شکست داد» دقیقا به همان چیزی پرداخته بودند که عسگر اولادی «هنر داختن» به آن رامایه تعجب دانسته بود!

عسگر اولادی که عضو هیات منصفه مطبوعات در تمام سالیان گذشته بوده در همین سخنرانی از شورای امنیت ملی خواسته بود فکری برای نفوذی‌های دشمن در مطبوعات بکند. در موضوع فلسطین نیز مواضع سنگنویان دو جناح سیاسی در موضع‌گیری آنها نسبت به عرفات و همچنین اعلام موضع وزیر خارجه در لبنان وجه تمایز داشت. در حالی که رسانه‌های جناح راست متناوبا با تندترین مواضع، رئیس‌جمهور ساف را به جرایمی چون خیانت متهم می‌کردند ، جبهه اصلاحات به صراحت همراهی با سایر کشورهای اسلامی و اتحادیه اروپا در حمایت از عرفات را توصیه می‌کرد و بر این موضع پای می‌فشرد و اصرار داشت این موضع کاملا صریح و متمایز ابراز شود.

رسانه‌های جناح راست در بیان مواضع خود توضیح ندادند چگونره رهبری عرفات بر ملت فلسطین را به رسمیت نمی‌شناسند و در مقابل تجمع هر روزه در مقابل نمایندگی فلسطین - که توسط عرفات تعیین شده - را پوشش می‌دهند و البته نمی‌گفتند چه کسانی را برای نمایندگی ملت فلسطین به رسمیت می‌شناسند. این در حالی است که اصلاح طلبان در حمایت از فلسطین دچار این پارادوکس نیستند.

از سوی دیگر اظهارات کمال خرازی، وزیر امور خارجه در سفر به لبنان که طی آن گروه‌های لبنانی و به‌طور مشخص حزب‌الله لبنان را به خویشتنداری فرا می‌خواند با عکس‌العمل تند رسانه‌های جناح راست روبه رو شد. برخی از این رسانه‌ها با عجب ، غیرمنطقی و غیرمنتظره خواندن سخنان خرازی آن را موجب نگرانی توام با حیرت و تاسف حزب‌الله لبنان و سایر مسلمانان غیور و هوشیار دانستند که با استقبال مقامات امریکایی و رسانه‌های غربی روبه رو شد.

کیهان در مورد اظهارات خرازی به قلم‌مدیر مسوول خود می‌نویسد: «پیشنهاد وزیر خارجه کشورمان به حزب‌الله که به یقین از روی بی‌توجهی و کم دقتی مطرح شده دقیقا با آنچه این روزها آمریکا و اسرائیل در پی آن هستند انطباق دارد... پیشنهاد ایشان نه فقط با مواضع خواست نظام جمهوری اسلامی ایران همخوان نیست بلکه در نقطه

مقابل آن نیز قرار دارد.» کیهان ادامه می‌دهد که در همان روز پنجشنبه که خرازی این اظهارات را عنوان می‌کند کالین پاول در فلسطین اشغالی بوده و طی مصاحبه‌ای می‌گوید: « آمریکا از همه کشورهای صاحب نفوذ خواسته است فعالیت حزب‌الله را در جنوب لبنان محدود کرده و حملات این جنبش به نظامیان اسرائیل را متوقف سازند.» «از وزیر خارجه انتظار می‌رفت در سفر به بیروت ضمن حمایت بی‌دریغ از حملات خداپسندانه و غیرتمدنانه حزب‌الله لبنان به نظامیان رژیم صهیونیستی خواستار تشدید این حملات شده و سایر ملت‌های مسلمان را نیز به تلاش گسترده و پیگیر برای ضربه زدن در منافع آمریکا و اسرائیل در تمامی نقاط جهان دعوت و تشویق کنند...» کیهان از وزیر خارجه می‌خواهد «هر چه زودتر اظهارات خود را تصحیح کرده و پیشنهاد عجیب و تاسف‌آوری که به نقل از ایشان مطرح شده را تکذیب کند.»

روزنامه جمهوری اسلامی نیز مواضعی مشابه اتخاذ کرد. اما منابع رسمی‌کشور عملا به این فشار رسانه‌ای پاسخ نداده و یک عضو هیات رئیسه مجلس نیز «موضع خرازی را موضع هماهنگ نظام و مبتنی بر تدبیر سیاسی دانست.» اصلاح طلبان در مقابل رسانه‌های جناح راست فعالیت‌های خود را در راستای حمایت از این سیاست شکل می‌دادند.

دربای خزر، نگرانی از تجاوز به

حرم ملی ایران

رسانه‌ها و به ویژه رسانه‌های اصلاح طلب در ماههای گذشته منعکس‌کننده نگرانی‌های بسیار از عقب ماندگی‌های متعدد در

عرصه سیاست خارجی بوده‌اند. به‌طور ویژه آن چه در افغانستان اتفاق افتاد این رسانه‌ها را در هشدار دادن به متولیان سیاست خارجی مصمم‌تر کرد. آن چه در سالهای قبل در حوزه دریای خزر گذشته این نگرانی‌ها را تشدید می‌کند. نهایی شدن قراردادهای دوجانبه کشورهای حوزه این دریا - به جز با ایران- و مواضع تجاوزکارانه برخی کشورهای کوچک این حوزه که با اتکا به شکاف وجود بین ایران و آمریکا انجام می‌شود صاحب نظران را به ابراز نگرانی‌هایی اساسی واداشته است. سکوت خبری وزارت خارجه نیز در این میان موجب فراموشی موضوع نشده است، چراکه اصولا درجه حیاتی بودن امر فراموشی آن را غیرممکن می‌سازد. این در حالی است که برخی مواضع حمایت آمیز از وزارت خارجه مبنی بر این که «تصمیم‌گیر حوزه سیاست خارجی نیست» هرگز توسط وزارت خارجه نه مورد ادعا قرار گرفته و نه در صورت صحت برای رفع موانع مورد چاره‌اندیشی قرار گرفته است. بدین لحاظ هر روز بر حجم این نگرانی‌ها افزوده می‌شود و خیر «لغو نشست معاونان وزرای خارجه کشورهای حاشیه خزر» در پایان هفته بر شدت نگرانی‌ها افزود. قرار بود طی این نشست بیانیه اجلاس روسای جمهور کشورها آماده شود که قرار است در روزهای آتی در عشق‌آباد برگزار شود.

با این خبر سرنوشت اجلاس عشق‌آباد نیز در پرده‌ای از ابهام قرار گرفت. صاحب نظران معتقدند تصمیم‌گیری در مورد دریای خزر یکی از ماندگارترین و تاریخی‌ترین تصمیمات نظام جمهوری اسلامی خواهد بود و منشا قضاوت‌های همیشگی خواهد شد و علت هشدارهای امروزی را اجتناب از خطر بزرگی می‌دانند که قضاوت‌های منفی‌آتی جزئی از آن است.



جدیدترین سوژه‌های سیاست داخلی
در روزهای گذشته وقایع فلسطین وحوادث ونزوتلا در غیاب فضای فعال سیاسی کشور به نمادهایی تبدیل شده بودند که خط تمایز دو جناح سیاسی کشور را ترسیم می‌کردند. در مورد وقایع ونزوتلا در حالی که هر دو جناح سیاسی آشکارا از شکست کودتا در آن کشور ابراز مسرت می‌کردند اما هر یک از منطری خاص به آن می‌نگریستند. جناح راست تمام تبلیغات خود را در جهت آن بخش از وقایع قرار می‌داد که حاکی از شکست سیاست‌ها یا اقدامات آمریکا بود. درحقیقت موضع منتقدانه آمریکا و چاوز نسبت به یکدیگر زمینه‌ای شده بود که جناح راست بازگشت چاوز به قدرت را از این باب مورد توجه قرار دهد. ستون پیام‌های تلفنی روزنامه‌های جناح راست مملو از پیام‌هایی بود که حکایت می‌کرد با شنیدن خبر کودتا علیه چاوز غم تمام وجود پیام‌دهنده را گرفته و از بازگشت رئیس‌جمهور ضد امریکایی ابراز شادمانی می‌شد. اوج موضع‌گیری جناح راست در مورد کودتای ونزوتلا در سخنان عسگر اولادی آشکار می‌شد. وی معتقد بود «شکست کودتا در ونزوتلا یک نقطه عطف و فصل جدیدی از مقاومت ملت‌ها در مقابل سیاست‌های تجاوزکارانه و مداخله جویانه استکبار

کیهان در مورد اظهارات خرازی به قلم‌مدیر مسوول خود می‌نویسد: «پیشنهاد وزیر خارجه کشورمان به حزب‌الله که به یقین از روی بی‌توجهی و کم دقتی مطرح شده دقیقا با آنچه این روزها آمریکا و اسرائیل در پی آن هستند انطباق دارد... پیشنهاد ایشان نه فقط با مواضع و خواست نظام جمهوری اسلامی ایران همخوان نیست بلکه در نقطه مقابل آن نیز قرار دارد.»

که این اقدام بر کشورهای منطقه و جوامع بین‌المللی دارد، توجه داشته باشد» پاول پس از شارون با عرفات نیز دیدار کرد.گزارش‌هایی که از ملاقات پاول با عرفات در دست است حاکی از اعتراضات شدید عرفات به پاول بود؛ اعتراضی که وی داشت به ادامه عملیات اسرائیلی‌ها در کرانه غربی و کوتاهی غرب در جلوگیری از کشتار فلسطینیان مربوط بود.

بنا به گزارش یکی از روزنامه‌ها پاول پس از این ملاقات اعلام کرده که «امدی به عرفات نیست و او بیش از این می‌توانست تلاش کند.» بی‌شک زمان به زیان اسرائیل پیش می‌رود و عملیاتی که زمانی شارون عملیات صد روزه نامیده بود اینک از مرز دویست‌روز نیز گذشته است و مربوط به روزهای آینده است.

کمتر می‌شود. آن چنان که طاقت فلسطینیان نیز هر روز کمتر می‌شود و با گسترش عملیات ضد اسرائیلی خود هم عرصه زندگی را بر اسرائیلی‌ها و مهاجران طمع کرده در خاک خود تنگ می‌کنند و هم جهان را به تفکر فرو می‌برند.

هفته نامه تایم بر روی جلد آخرین شماره تصویری تمام صفحه از دختر ۲۷ ساله فلسطینی به نام «ادریس وفا» چاپ کرده و با حروف